

سرمقاله

معارف افغانستان شديداً نياز مند توجه است

محمد رضا هویدا

چند روزی بیشتر به آغاز کار مکاتب بیشتر باقی نمانده است. سالی که پیش رو داریم، برای متعلمین بسیاری از مکاتب که در مناطق نامن قرار داشته اند و یا قرار گرفته اند سال سختی است. این سال برای متعلمین ولایاتی که در سال روان شاهد حضور و نفوذ طالبان و داعش بوده اند، سالی ناخوشایند بود. همه گروه های افراطی به وضوح نشان داده اند که اجازه نخواهند داد تا کودکان افغانستان تعلیم و تربیه شده و با علم و دانش مجهز شوند. گروه های افراطی کودکان را تشویق می کنند تا به راهی که آنان رفته اند و مدارسی که عصیبت و نفرت و خشونت را می آموزند بپیوندند.

اما ناامنی تنها مشکل مکاتب و معارف افغانستان نیست. سکتور معارف افغانستان غرق در مشکلات و نابسامانی های درونی خود است. معارف افغانستان در تمام سالهای گذشته با انواع و اقسام مشکلات روبرو بوده است. از برخورد سیاسی با معارف گرفته تا سوء استفاده های اقتصادی و ظرفیت پایین مسئولان و بی توجهی دولتمردان به این بخش حساس جامعه و دولت. از معارف افغانستان، بخشی ضعیف و ناتوان باقی گذاشته است. پرونده های فساد اداری در مرکز و ولایات کشور در بخش معارف از جمله پرونده های مشهور در افغانستان است. اختلاس و سوء استفاده و مکاتب و معلمان خیالی مسایلی هستند که دیگر برای مردم تازه نیستند.

بخش اعظم مشکلات معارف افغانستان به نبود تخصص در کادری های بالایی و مسئولان وزارت معارف است. استخدام کادری های متخصص و متعدد در وزارت معارف کشور به معنای این است که تعلیم و تربیه از آغازین روزهای ورود کودکان به مکتب به صورت حرفه ای و استاندارد شروع شود. وزارت معارف در این سالها خود را تکان نداده است. وزارت معارف که به جمعیت اکثر جوان افغانستان باید رسیدگی کند و آنان را تعلیم و تربیه کند، از پیرترین وزارت های افغانستان است. هر چند پروژه هایی برای بهتر شدن معارف کشور و جذب معلمان با دانش و متخصص روی دست گرفته شده بوده است، اما به دلیل فساد اداری حاکم بر ادارات افغانستان عملاً چنین برنامه هایی چندان موفق نبوده است.

با وجود تمام کمک هایی به عرصه معارف کشور در طول سالهای گذشته شده است، اما وزارت معارف از نبود زیربناها شدیداً رنج می برد. ولایات امن کشور که هیچ گونه مشکل امنیتی نیز نداشته اند، در سالهای گذشته مورد بی توجهی وزارت معارف قرار گرفته و کار کمی برای ساختن زیربناها انجام شده است. بخش عمده توجه وزارت معارف به ولایاتی بوده که در جنگ و ناامنی به سر می برده اند. ساخت و ساز مکاتب در این ولایات اما به دلیل شرایط نامناسب امنیتی بر هزینه بوده است. وزارت معارف در مورد به روز سازی مکاتب نیز ناموفق بوده است. اکثر مکاتب کشور به لابراتوارها و وسایل مجهز آموزشی دسترسی ندارند. معلمان کار آزموده و مجرب در مضامین تخصصی ندارند. بیشتر مضامین تخصصی در مکاتب توسط افراد غیر متخصص درس داده می شود.

این روند به معنای پایه گذاری یک سیستم آموزشی کاملاً غیر استاندارد در کشور است که نتیجه آن را در تحصیلات عالی و در نهایت در بازار کار و مدیریت کشور به وضوح می بینیم. ضعف تحصیلات عالی در کشور که با وجود فراغت هزاران محصل در سال، هنوز به کادری مسلکی و متخصص در زمینه های مختلفی دولت را ناکام خوانده اند. شرکت کنندگان در این تحقیق نگرانی اصلی فراروی گفتگوی صلح را فساد گسترده در دولت، فقر و بی سوادی، قوم گرایی و قبیله گرایی، گروه طالبان، کشتن و چاقاق مواد مخدر دانسته اند. همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد که ۴۸ درصد پاسخ دهندگان بر این باور است که پاکستان از جنگ و ناامنی در افغانستان سود می برد. در این تحقیق

سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان، در آخرین اظهار نظر خود ضمن ابراز نگرانی از فساد گسترده در افغانستان، می گوید که این اتحادیه آماده است در مبارزه با این پدیده کمک کند؛ اما بدون سهم گیری مردم و وجود فرهنگ معافیت، مشکل است موفقیت به دست آید. فرانز میشل میلیبن، این موضوع را در یک مصاحبه اختصاصی با یکی از خبرگزاری های کشور به مناسبت آغاز کمپاین دو ماهه ایمن اتحادیه علیه فساد در افغانستان، بیان کرد. وی در پاسخ اینکه اتحادیه اروپا اقدام های ضد فساد حکومت افغانستان را که هم چنان از جمله فاسدترین کشورهای جهان خوانده شده است، چطور می بیند؟ گفت: نیاز است که اقدام های زیادتری از سوی حکومت برای مبارزه فساد نسبت به آنچه که تا کنون دیده شده است، صورت گیرد و حکومت نیز این را درک می کند؛ ما در انتظار مشاهده پیشرفت های قابل لمس در این زمینه هستیم. وی در ادامه تأکید ورزید که فساد اداری در افغانستان، به اعتبار حکومت آسیب جدی رسانده است؛ وی در این زمینه افزود: چیزی که ما می بینیم این است که با توجه به این وضعیت، افغان ها ترجیح خواهند داد به کارهای بد روی بیاورند؛ بخاطر اینکه آن ها احساس می کنند حکومت توانایی کاری که از آن انتظار می رود ندارد. هم چنان به دلایل مختلفی حکومت افغانستان در مبارزه با فساد موفق نبوده است؛ ضعف حکومت اداری، و نهادهای حکومتی که قادر نیستند کارهای شان را به درستی پیش ببرند، وی در برشماری عوامل این وضعیت گفت چند عامل با یکدیگر مرتبط هستند، وقتی که شما سیستم عدلی و قضایی ضعیف و فاسد دارید، این خیلی سخت است که شما بر علیه فساد در دیگر عرصه ها مبارزه کنید و وقتی شورشگری جریان دارد، فساد موجود به آن جان تازه می دهد.

این مقام اروپایی درباره موفقیت مبارزه با فساد تأکید ورزید که من باور دارم نه تنها حکومت برای مبارزه با فساد باید مسئولیت پذیر باشد که قطعاً مردم نیز باید از حکومت بخواهند در این راستا پاسخگو باشد.

فساد، پاشنه آشیل نابسامانی کشور

عبداللّه هروی



هم نبوده است. در این میان صدمه ای که فساد اداری به کشورهای توسعه نیافته و یا در حال گذار وارد می نمایند غیر قابل تصور بوده و بسیار عمیق و گسترده می باشد. وجود این پدیده در مواردی موجب ایجاد بحران های فزاینده و مهار ناپذیر گردیده است. با توجه به مطالعاتی که از سوی کارشناسان امور در این رابطه صورت گرفته است، در مورد موجودیت فساد اداری سه نکته را می توان یاد آور شد: نکته اول اینکه فساد اداری در همه جوامع، حتی جوامع پیشرفته و مدرن نیز وجود دارد. هیچ قلمرو حکومتی از آسیب آن مصونیت ندارد. نکته دوم اینکه آفت فساد اداری هم موجب تضییع عدالت و زیر پا نهادن قانون توسعه و آبادانی کشور و جامعه می گردد. وجود این فساد اداری می تواند به شدت سایر عرصه های دیگر را تحت الشعاع خود قرار میدهد. به عقیده کارشناسان امور فساد اداری با نظام اقتصادی یک رابطه دو جانبه دارد. یعنی هر یکی ممکن است عامل و موجد دیگری، یا تقویت و ضعف به هر صورت مسئله فساد اداری در ساختار حکومت افغانستان از چالش های

واقعیت امر آنست که وجود فساد گسترده در کشور سبب گردیده است وضعیت عمومی و اداره را در کشور بسوی نابسامانی سوق داده و در نهایت افغانستان را در صدر فهرست فاسدترین کشورهای جهان قرار دهد. تلاش های که به منظور مبارزه با فساد ناکون صورت گرفته بنابه علل مختلف ناکام و ناموفق بوده است. بنابراین می طلبد که در این راستا تأمل جدی و دقیقی صورت گیرد. اینک جهت روشن شدن بیشتر موضوع، مسایلی تشریح می گردد. حقیقت تاریخ گواهی می دهد که فساد اداری، در جوامع بشری یک امر دیرینه و مسبق به سابقه می باشد. این پدیده برای جوامع ناشناخته نبوده و همیشه در دستگاه های حکومتی و اداره بگونه های مختلف، با شدت و ضعف های متفاوت وجود داشته است. اما این پدیده بعنوان یک پدیده منفی و نامطلوب با پیچیده شدن دستگاه های اداری معاصر، حضور و موجودیت خود را نیز پیچیده ساخته است. در دنیای امروز معضل فساد اداری یک امر بسیار چالش برانگیز بشمار می آید. بسیاری از حکومت ها در اثر بوجود آمدن چنین آفتی سرنجام شیوه های مقابله با آن نیز وجود دارد که می تواند موثر واقع شود. به باور بسیاری از کارشناسان امور مبارزه

اساسی بشمار می آید که بر تمامی عرصه های جامعه سسایه افکنده است. با توجه به تجاربی که در امر مبارزه با فساد از سال های گذشته وجود دارد؛ هم چنین با توجه به شناختی که از کفایت و توانایی مقامات ذریبط وجود دارد، و نیز با در نظر داشت ساختار مافیایی که در بدنه نظام سیاسی و مناسبات حاکم بر آن، در عرصه داخلی و بین المللی مشاهده می شود، اینک این سوال مطرح می شود که واقعا چگونه ریشه مبارزه با فساد یک استراتژی است یا یک بازی سیاسی؟ این پرسش از آنجا حایز اهمیت است که حکومت وحدت ملی یکی از مدعیان خود را مبارزه با فساد اعلام نموده و جامعه جهانی نیز حمایت های خود را منوط به این موضوع دانسته است. مهم تر از همه نوب پیکان این مبارزه چه کسانی را هدف قرار خواهد داد؟ دانه درشت های فساد که با کمپنی های بین المللی ارتباط داشته و اینک بر اقتصاد کشور چنگ انداخته یا دانه ریزهایی که فقط در سایه دانه درشت ها اظهار وجود نموده اند؟ آیا فساد کی طی چندین سال در تمام بدنه قدرت سیاسی و ساختار جامعه ریشه دوانده است چگونه می توان انتظار داشت که ریشه کن شود؟ واقعیت این است که پرسش های از این قبیل همواره ذهن ها را بخود مشغول داشته و در دایره آرزو و عینیت یافتن در تردید می باشد. باید اذعان داشت که آینده حکومت وحدت ملی، فرجام نظام سیاسی و آینده کشور و جامعه همه و همه در یک نقطه تمرکز یافته است. این نقطه می تواند آینده و فرجام همه خوب یا بد، فاجعه بار و سعادتمند و... رقم زند. باید نقطه محوری «فساد» است. موفقیت در امر مبارزه با فساد بطور قطع آینده و فرجام را به زیربنای شکل ممکن که آرزو برده می شود رقم خواهد زد؛ در غیر این صورت، یعنی ناکامی در مبارزه با فساد تبعات بسیار فاجعه آوری را بر جامعه و آینده آن تحمیل خواهد کرد. در این زمینه بر این نکته همواره تأکید می گردد که انجام اصلاحات و مبارزه با فساد داخلی صورت گیرد نه در اثر فشار بیرونی و مصلحت سنجی های سیاسی. اگر چنین نباشد موفقیت های احتمالی مقلعی بوده و آینده ای برای آن مرتب نخواهد بود.

روند صلح و خوشبینی و بدبینی شهروندان افغانستان

رحیم حیدری



بر اساس تجربه کشورهای مختلف تعیین پیش شرط مهمترین مانع فراروی صلح است و نشان می دهد که وجوه مشترک و ظرفیت هایی برای تفاهم از باره نقش پاکستان در باب گفتگوی صلح شد. این در حالی بود که قبل از آن رئیس جمهور بارها از نقش منفی پاکستان در پروسه صلح سخن به میان آورد. خوشبینی رئیس جمهور غنی نسبت به پاکستان منجر به شکل گیری گفتگوهای چهار جانبه شد. افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین به منظور ارائه نقشه راه صلح چهار بار نشست نمودند. بعد از چهارمین نشست گفتگوی چهار جانبه از گروه طالبان و دیگر گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان دعوت نمود تا به گفتگوی صلح رو در رو با حکومت افغانستان بپیوندند. دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر از جریان های گفتگوی چهار جانبه اظهار بی اطلاعی کرد. چندی بعد ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان با انتشار خبرنامه ای بیان داشت که گروه طالبان در نشست رو در رو گفتگوی صلح با حکومت افغانستان شرکت نمی کند. آن ها بیان داشته بود که تا زمانی که پیش شرط های آن ها رعایت نگردد آن ها در گفتگوی مستقیم صلح با حکومت افغانستان شرکت نخواهد کرد. خروج کامل نیروهای بین المللی از افغانستان، خارج کردن گروه طالبان از لیست سیاه از مهمترین پیش شرط های گروه طالبان است. پیش شرط های گروه طالبان مانع جدی فراروی گفتگوی صلح است. زیرا،

برش در مورد نقش شورای عالی صلح نیز مطرح بوده است که اکثر پاسخ دهندگان نقش شورای عالی صلح را ضعیف خوانده است. این تحقیق در ۱۵ ولایت کشور با رعایت ترکیب شهری-روستایی، جنسیتی و پراکندگی جغرافیایی جمعیت صورت گرفته است. در حدود ۱۵۴۰ شهروند کشور به پرسش های مؤسسه مطالعات استراتژیک افغانستان پاسخ داده اند. نتایج تحقیق مؤسسه مطالعات استراتژیک تا حدودی واقع بینانه به نظر می رسد. روند گفتگوی صلح در سال ۱۳۸۹ شروع شد. شورای عالی صلح به عنوان نهاد رسمی حکومتی در این سال به فعالیت آغاز کرد. از آغاز شکل گیری شورای عالی صلح تا کنون حکومت افغانستان تنها یک بار موفق به گفتگوی مستقیم با گروه طالبان شده است. نتایج گفتگوی مستقیم بی نتیجه بود. در طرف هیچ سودی از آن نبرد. بعد از گفتگوی مستقیم حکومت با گروه طالبان خبر مرگ ملا عمر، رهبر پیشین گروه طالبان منتشر شد. این رخداد تأثیر منفی بر روند صلح گذاشت. حکومت افغانستان از صدفات پاکستان انتقاد کرد و از شرکت در گفتگوی مستقیم صلح او ورزید. در نشست قلب آسیا که در اسلام آباد پایتخت پاکستان برگزار شده بود رئیس جمهور غنی در آن شرکت کرد. شرکت رئیس جمهور غنی با استقبال بی سابقه مقامات پاکستان مواجه شد. برای اولین بار، نخست وزیر پاکستان برای استقبال رئیس جمهور افغانستان در پشت در هواپیما رفت. سرود ملی کشور را در میدان هوایی پیش

جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین این گروه حملات سنگین بر مناطق مختلف افغانستان راه اندازی نموده است. جنگ در بغلان، هلمند، کندز، غزنی، بدخشان و ... از مواردی است که در این مدت اتفاق افتاده است. این می رساند که این گروه تمایلی برای گفتگوی صلح ندارد. یکی از دلایل عدم تمایل گروه طالبان نسبت به گفتگوی صلح مشخص نبودن این مسئله است که در صورت پیوستن این گروه به روند گفتگوی صلح سهم آن ها چه میزان خواهد بود. آیا آمدن ما گورژد می کند که قبل از هر چیز نیاز به آماده کردن ذهن شهروندان کشور نسبت به حضور گروه طالبان در چارچوب دولت داریم. در صورتی که گفتگوی صلح میان حکومت و گروه طالبان به نتیجه برسد و گروه طالبان دست از خشونت بردارند و در قدرت سیاسی سهمی گردد مردم مانع جدی برای حضور آن ها در چارچوب قدرت ایجاد خواهد کرد. بنابراین، حکومت افغانستان نیاز به تبلیغات گسترده فرهنگی دارد تا ذهن شهروندان کشور را برای پذیرش گروه طالبان آماده کند. در مقابل، گروه طالبان ضرورت به دست کشیدن از خشونت و عذر خواهی از مردم افغانستان است. در غیر آن، گفتگوی صلح نتیجه بخش نخواهد بود. در پایان این نوشتار باید متذکر شد که ما با غیبت «مردم» در روند گفتگوی صلح مواجه می باشیم. درست است که از گروه های مختلف اجتماعی افغانستان در شورای عالی صلح حضور دارد اما این به معنی پذیرش روند گفتگوی صلح و شورای عالی صلح از سوی مردم نیست. تا هنوز، حکومت نظر مردم را نسبت به گفتگوی صلح با گروه طالبان نرسیده اند. گروهی که بیشتر از دو دهه از مردم افغانستان قربانی گرفته اند و خانواده های زیادی را به غم نشاندند. اکنون هم مشروعیت روند صلح زیر سوال است و هم پذیرش گروه طالبان از سوی مردم افغانستان یک مسئله جدی و اساسی است.

کارتون روز بدون شرح

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine